

آینه

گزارش به مردم در تراز اعتدال

● **سعید لیلاز:** ... بیراه نیست اگر گفته شود یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های مصاحبه روحانی، پرهیز از فرافکنی و به گردن دیگران انداختن مشکلات بود. این حکایت از آن دارد که دولت درصدد دوقطبی‌کردن فضا و در برابر هم قراردادن نهادها نیست. همین که رئیس‌جمهوری در پاسخ به سؤالی درباره نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده سکوت کرد، نشان داد که هیچ عزم و اراده‌ای برای بهره‌برداری انتخاباتی و سیاسی در دولت یازدهم وجود ندارد و صرفاً در پی تحقق برنامه‌ها و اهداف تعریف‌شده خود است چنان که تلاش‌های دولت و موفقیت آن در تک‌رقمی‌کردن تورم، افزایش نرخ رشد اقتصادی و ثبات و امنیت حاکم بر کشور محسوس و مشهود است. این گفت‌وگو را که به معنای واقعی در تراز اعتدال بود باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که چنین برنامه‌هایی به سایر قوا و مسئولان دیگر هم تعمیم داده شود. شایسته است که دیگر مسئولان هم همین نگاه و رویکرد رئیس قوه مجریه را داشته باشند و با حضور در برنامه‌های زنده به پرسش‌های صریح، پاسخ‌های شفاف بدهند. در انتها باید به اجرای قابل دفاع مجریان سیما هم اشاره کرد که در نوع خود سنت‌شکنی بود. آنها درعین‌حال که سؤالات صریحی را از رئیس‌جمهوری پرسیدند، اما از جاده انصاف هم خارج نشدن.

کیم

پروژه غرق مصنوعی مردم

محمد ایمانی: ... احمدی‌نژاد و هاشمی و روحانی و خاتمی، هر یک تفاوت‌های اساسی با دیگری داشته و هرکدام کارنامه‌هایی متفاوت بر جای گذاشته‌اند؛ اما هر جا که آن انحصار سیاسی- اقتصادی فرصت‌طلب، کم یا زیاد، راهی به برخی اجزای دولت‌ها پیدا کرد، به همان میزان راه خدمت‌گزاری مردم را تنگ کرد. اشرافیت فربه‌شده در دولت‌های هاشمی و خاتمی، به‌واسطه خیزش مردم در سال ۸۴ برای چند سال دچار شوک شد و مسیر شورش علیه جمهوریت و اسلامیت را در سال ۸۸ برگزید. اما چون شکست خورد، دعوت دشمن به تشدید تحریم‌ها را سرلوحه کار خود قرار داد تا بتواند خود را جای منجی و میانجی قالب کند. برخی دست‌اندرکاران این طیف، با محافل قدرت در غرب بر سبک مدل و راهبرد بزرگ بستند و آن اینکه؛ باید عرصه را بر مردم تنگ کرد و این تنگنا را پای منطق انقلاب و جمهوری اسلامی نوشت؛ اگر هم آشوب مقدور نیست، باید با مهره چینی و تزریق کادر به بدنه تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز، مدام عرصه بر ارزش‌های انقلابی نظیر خدمت‌گزاری و عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد و فقر و تبعیض تنگ شود، چنان که اولاً افکار عمومی دچار احساس غرق مصنوعی در میان فقر و فساد و تبعیض شوند و از بهبود شرایط ناامید باشند. ثانیاً در موقعیت انتخاب، به نمایندگان مدیریت اشرافی به‌عنوان تنها گزینه تن دهند. چاشنی این نقشه، ترساندن مردم از بدیل گفت‌وابی جریان اشرافی غریکراسـت. مردم ما مجبور نیستند میان عملکرد حلقه انحرافی و «انحصار اشرافیت» یکی را انتخاب کنند و به اشرافیت فاسد سواری بدهند. باید جرئت ملی به خرج داد و زیر میز این دوگانه ذلتا فریبکارانه و انحرافی زد. دولت دوازدهم می‌تواند و باید، با اهتمام نخبگان شرافتمند، به ریل اصلی انقلاب برگردد. هویت این ریل، هدف‌گذاری معطوف به داخل کشور و متن مردم و ارزش‌های اسلامی است.

وقت امروز

عملیات روانی به جای پذیرش اشتباه

این مسئله کوچکی نیست که دولت پس از سه سال حواله‌دادن مشکلات به گردن دولت قبیل و دولت‌های قبیل، در فاز نهایی قدرت، استقراض از پیروزی‌های جبهه مقاومت برای فرار از پذیرفتن مسئولیت فرجام برجام به اضافه تحریم‌های مضاعف را در پیش گرفته است. سیاستی مضحک که به‌واسطه آن دولت می‌کوشد کارنامه موفق سایر بخش‌های نظام را به جای کارنامه مردود خود متقلبانه عرضه کند! باور کنیم برای پیشرفت در مسیر مردم‌سالاری دینی ناگزیر از وادارکردن مدیران به «مسئولیت‌پذیری» هستیم. مردم، رسانه‌ها، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دستگاه قضا مکرر از رئیس دولت خواسته‌اند همان‌گونه که در برهه نمایش پیروزی برجام مقابل ملت ایستاد و خود را مسئول همه جنبه‌های مذاکرات و توافقات معرفی کرد، مسئولیت وضعیت نابسامان معیشتی مردم در پس‌برجام آرزوها را پذیرا و برای اصلاح فاجعه پیشقدم شود. به جای بازی تخریب رقیبای احتمالی، تمسک به انواع حربه‌های عملیات روانی و عذرخواهی‌های محرمانه و اعتراف به اشتباه در اتاق‌های دربسته ضد صدا باید صداقت پیشه کرد و مسئولیت پذیرفت.

● **شما در اوایل دهه ۷۰ وکیل بانک صادرات در پرونده موسوم به ۱۲۳میلیاردی بودید که نتیجه آن اعدام آقای فاضل خداداد بود. در دهه ۸۰ هم شاهد حضورمه آفرید خسروی هستیم که تصاعد ارقام مورد سوءاستفاده او، بسیار بالاتر است. در دهه ۹۰ هم پرونده بابک زنجانی را داریم. چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است؟ آیا فساد مالی سیستمی شده است؟ زمینه وقوع فساد مالی می‌تواند عمومی باشد. مثلاً چه عواملی از لحاظ قانونی، فرهنگی و اعتقادی باعث می‌شود رشوه‌خواری، کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع ... در جامعه به‌وجود آید و گسترش یابد؛ به‌نحوی‌که قبح آن از بین برود. گاهی حتی برای محکومان جرائم فساد، دلسوزی هم می‌شود. این امر فرهنگ اعتمادنداشتن به مبارزه با فساد را تقویت می‌کند. یک زمان افراد با اشخاصی وجود دارند که هرچند مستقیماً در وقوع جرم با عناوین سه‌گانه (مباشر، شریک و معاون) شناخته نمی‌شوند؛ اما در وقوع فساد، نقش خود را ایفا می‌کنند؛ حتی کارمندانی هم که تخلف انتظامی می‌کنند و مقررات را رعایت نمی‌کنند، در این ماجرا نقش دارند. ولی افرادی هستند که من از آنها به عنوان «کاتالیزور» وقوع جرم و تسهیل آن یاد می‌کنم؛ یعنی آنان در بزه مداخله ندارند، ولی بدون وجود آنان جرم محقق نمی‌شود. در نزدیک به ۲۷ سال که وکالت بانک‌های دولتی و خصوصی را برعهده داشتم، در پرونده‌های مختلف می‌دیدم افرادی هستند که با استفاده از مقام و نفوذ خود و استفاده از موقعیت ویژه و توصیه‌هایی که می‌کنند، زمینه وقوع جرم را فراهم می‌کنند. گاهی متنفذان نیز منتفع می‌شوند، ولی گمنام باقی می‌مانند و گاهی بدون اینکه ذی‌نفع مالی شوند این توصیه‌ها را می‌کنند که آنان را مزدوران بی‌چیره و مواجب می‌خوانند!**

● **خب، اگر موافق باشید برگردیم به دو دهه پیش. دقیقاً آقای فاضل خداداد چه کرده بود؟**
برادر یکی از مقامات متنفذ آن‌زمان کشور، فاضل را به عنوان دوست و رفیق یا به قول خودش، «ارباب» خود، به یکی از شعب بانک صادرات معرفی کرده بود و برای او حساب جاری زُندی باز کرده بودند که او با استفاده از چک‌های دیگران و بعد با چک‌های خود، اختلاس می‌کرد. آقای خداداد به محض شروع جنگ، از ایران خارج می‌شود. شغل او برج‌سازی بوده و املاک بسیار زیادی را خریداری کرده و با وثیقه گذاشتن آنها تسهیلات کلانی از بانک‌ها گرفته بود. شکل کار او به این صورت بود که از بانک مبلغی پول به عنوان وام می‌گرفت، بعد عمدی یا غیرعمدی، مبلغ کمتری به صورت چک با سفته و... به اشخاص به‌هنگار می‌شد. او طلبکاران را تشویق می‌کرد بروند ملک او را توقیف کنند. میزان این بدهی‌های متفرقه به اندازه آن مبلغی بود که از بانک‌ها به عنوان تسهیلات گرفته بودند، در نتیجه اگر بانک‌ها این ملک را با صدور اجرائیه تملک می‌کردند، باید ابتدا بدهی‌هایی که با آن مزاد ملک را توقیف کرده بودند، پرداخت می‌کردند؛ چون این ارقام نسبت به قیمت آن زمان کم، خیلی زیاد بود. در نتیجه بانک‌ها از توقیف ملک خودداری می‌کردند و به‌واسطه ۳۳ مورد دیگر از همان نوع بدهی‌های متفرقه اشخاص حقیقی و حقوقی که گفتیم، به اشخاص حقیقی یا حقوقی، به‌اشخاص به‌هنگار می‌کرد. وقتی فاضل خداداد در مهر ۱۳۶۷ به ایران بازگشت، متوجه شد املاکی که در وثیقه بدهی‌های او بود همچنان در جای خودش باقی است. بر یک ملک به خیابان فرشته داشت که در آن یک برج ۱۵ طبقه نیمه‌تمام احداث کرده و قبلاً در قبال وام بانکی، آن را در رهن بانک صادرات قرار داده بود. علاوه بر اینکه وثیقه طلب بانک بود، به‌واسطه ۳۳ مورد دیگر از همان نوع بدهی‌های متفرقه اشخاص حقیقی و حقوقی که گفتیم، ملک توقیف شده بود. بانک‌های دیگر نیز مازاد همین ملک را بابت مطالبات خود توقیف کرده بودند. در نتیجه بانک صادرات اگر می‌خواست ملک را تملک کند، ابتدا باید این بدهی‌ها را پرداخت می‌کرد.

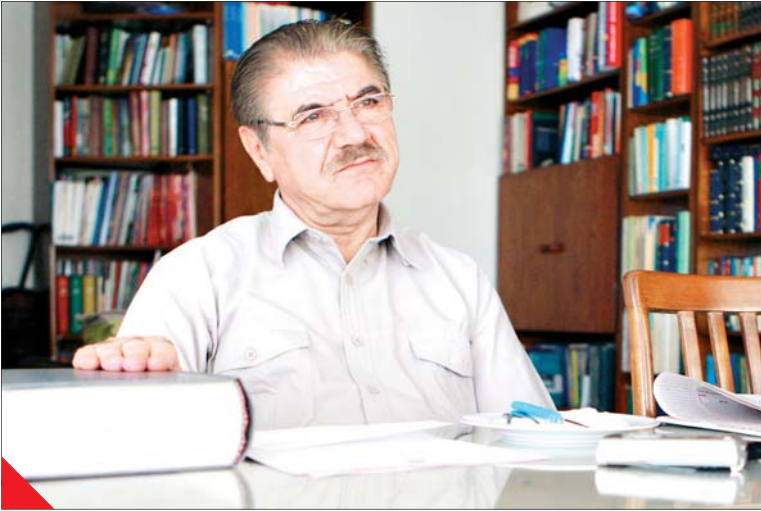
● **بدهی به اشخاص را؟**

بله؛ اشخاص حقیقی یا حقوقی. بنابراین بانک صادرات با این مشکل مواجه شده بود و نتوانست این ملک را در زمان صدور اجرائیه تملک یا مدت شش ماه تقاضای مزایده کند. ضمن اینکه وزارت مسکن و شهرسازی وقت با استناد به یک ماده واحده درباره شهرک‌ها و مجتمع‌های نیمه‌تمام، این ملک را تملک و اعلام کرده بود حاضر است آن را به شرکت‌هایی که می‌خواهند ملک را تکمیل کنند، واگذار کند. مشروط بر اینکه ابتدا بدهی بانک صادرات و سایر بدهی‌ها را پرداخت کند. فاضل پس از مراجعه متوجه شد این ملک چهار متر مزن زمین و ۱۵ طبقه ساختمان نیمه‌تمام و حدود دو هزار متر بنای تجاری و اداری دارد که از دست می‌رود پس اقداماتی را شروع کرد. وقتی می‌گویم هیچ فسادِی بدون کاتالیزور امکان‌پذیر نیست، از این اوان کاتالیزورها استفاده کرد و برای تأمین سرمایه لازم جهت اقدامات قانونی، حساب جاری بازی باز کرد. در دیوان عدالت اداری هم شکایتی را مطرح کرد و بر ابطال اقدامات وزارت مسکن و شهرسازی حکم گرفت و جالب است بدانیم هزینه دادرسی و حق‌الوکاله پیوندها را هم از جوجه اختلاس‌شده پرداخت می‌کرد. وقتی دید این ملک خیلی حساس است و از طرف دیگر تمام املاک دیگر او هم در وثیقه بانک‌هاست و نمی‌توانست وجوهی را پیدا کند که املاک را از وثیقه خارج کند، برای اینکه پول کافی به دست بیاورد اقدام به برداشت پول از حساب بانک صادرات کرد. او می‌خواست با این پول کار کند و ملک‌هایش را آزاد کند. روند کار این‌گونه نشان می‌دهد. در ملاقاتی که من در زندان قصر با او داشتم او به‌صراحت گفت که می‌خواستم با این پول‌ها کار کنم و

سیاست

گفت‌وگو با صالح نیکبخت، وکیل پرونده ۱۲۳میلیاردی

بابک زنجانی راه فاضل خداداد را می‌رود؟



بابک زنجانی

علی ایوبی

یک ماهی است که حکم اعدامی دیگر، در یک پرونده اخلاسی دیگر صادر شده و این بار، «بابک زنجانی» در آستانه مرگ است. پرونده‌ای که حاشیه‌ها و متن آن چند سالی است نقل محافل سیاسی شده است؛ اما ماجرای اختلاس‌های نجومی به اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد؛ زمانی‌که «فاضل خداداد» با پرونده ۱۲۳میلیاردی رکوردی عجیب می‌زند و صفرهای پولی که به جیب زده بود، مردم و مسئولان را شگفت‌زده می‌کند. پرونده او تیتُر روزنامه‌های کم‌تعداد آن‌زمان شد و پای افراد سرشناس هم به میان آمد. اگر فاضل خداداد را اولین فردی بدانیم که چراغ دزدی‌های کلان را روشن کرد قطعاً بابک زنجانی «اسوپراستار» این‌گونه پرونده‌ها است. او هم‌انکون، در یک دست بدهی سه‌ونیم میلیاردلاری به وزارت نفت و در دست دیگرش حکم اعدام دارد، اما گویی به گفته «صالح نیکبخت»، منتظر فرشته نجات است تا در آخرین لحظه او را از طناب اعدام برهاند. نیکبخت، حقوق دان و وکیل دادگستری است و در پرونده فاضل خداداد، وکالت بانک صادرات را برعهده داشت. او با حافظه فوق‌العاده خود تمام اتفاقات آن پرونده و حتی روز و اعداد مطرح‌شده در آن را به‌خوبی به خاطر دارد. در گفت‌وگو با او تلاش کردیم مقایسه‌ای بین دو پرونده داشته باشیم.

ملک‌ها را آزاد کنیم. در بانک‌ها سرفصلی به نام چک‌های رمزدار وجود دارد. وقتی به بانک مراجعه می‌شود و یک چک رمزدار برای واریز به حساب کسی صادر می‌شود، وجه این چک در بانک محال‌علیه وارد حساب می‌شود و دارنده می‌تواند فوری برداشت کند. فاضل با تئانی با یکی از کارمندان، چک عادی می‌داد ولی در لیست چک‌های رمزدار می‌گذاشتند و همان روز وجه چک عادی را می‌گرفت؛ البته آن زمان فاضل خداداد دسته‌چک نداشته و از دسته‌چک دیگران استفاده می‌کرد.

● **عجیب نیست که یک فرد با این همه گردش مالی، خودش دسته‌چک نداشته است؟**
فاضل خداداد حدود هفت، هشت سالی بود که در ایران نبود. چک‌های قبلی او برگشت شده و منجر به این شده بود که به او دست‌چک ندهند؛ اما با توصیه یکی از هم‌چرمانش در شعبه ۲۰۸ بانک صادرات در باغ فردوس تهران یک حساب جاری برای او باز می‌کنند.

● **حساب را به اسم خودش بازی می‌کنند؟**

بله، شماره حساب او هم ۲۰۰ بوده که به‌اصطلاح ژُند و نشانه اعتبار صاحب حساب است که در واقع این‌گونه شماره‌ها را به اشخاص حقیقی و حقوقی بسیار معتبر و خوش‌حساب می‌دهند. قبل از آن هم از دسته‌چک اشخاص دیگر استفاده می‌کرده است. ترتیب برداشت پول به این صورت بود: خداداد یک چک عادی می‌کشید مثلاً به مبلغ صد میلیون تومان، این یک چک عادی بود که باید از طریق کلر وصول شود؛ اگر موجودی داشت پاس می‌شد. این فرد که موجودی نداشته است، مثلاً چک صدمیلیونی عادی را به کارمند بانک می‌داده است و کارمند بانک را فریب داده، او چک را جزء چک‌های رمزدار تلقی کرده و وجه چک را از سرفصل چک‌های رمزدار همان روز به او پرداخت می‌کرد؛ فردی آن روز دوباره خداداد می‌آید و چکی عادی با مبلغ بالاتر می‌داد و باز هم رمزدار تلقی و وجه آن را می‌گرفت. از وجه چک دوم مبلغ چک قبلی را پاس می‌کرد و مازاد آن در اختیارش بود و فردا با تکرار همین روال چکی دیگر می‌آورد و جریان تکراری می‌شد. کار به جایی رسید که خداداد چک‌های دومیلیاردتومانی صادر می‌کرد و به شرح فوق وجه آن از حساب چک‌های رمزدار تأمین می‌شد و فردا با چکی به مبلغی بیشتر این چک پاس می‌شد و با مابه‌التفاوت آن کار می‌کرد. وقتی این کارها را می‌کرد این پول‌ها در مدت‌زمان ۴۸ ساعت تا پنج روز در اختیار او می‌ماند. گردش پول‌های بانک در دست او و متمم دیگر در مدت حدود یک سال، ۱۲۳ میلیارد تومان بود ولی در هیچ زمانی این مبلغ پول نزد آنان نبود.

● **بابک این پول‌ها املاک خودش را آزاد کرد؟**

خیر، ولی شروع به انجام معاملات کرد؛ در این فکر بود که از محل آن ملکی بخرد و از بانکی دیگر تسهیلات بگیرد. بخشی از پول‌ها را هم که حدود هشت میلیون دلار بود از ایران خارج کرده بود.

● **پول‌ها برگشت؟**
خیر، آن پول‌ها مورد استفاده دیگران قرار گرفت که گفته می‌شد یکی از آنها یک هنرپیشه فیلم‌های تبلیغاتی زمان شاه ساکن خارج از کشور بود.

● **یعنی پول پیش آن فرد ماند؟**

گویا یک میلیون دلار را به او داده بود.

● **بعداً او نتوانستد برگردانند؟**

خیر.

● **گفته می‌شود در آن زمان فاضل خداداد خارج از کشور بود.**

بله، ظاهراً آن مقام شماره تلفن او را پیدا می‌کند و از فاضل می‌خواهد به ایران برگردد. خداداد قبلاً یک میلیارد تومان به آن مقام پول داده بوده که یک ملک بنیاد را خریداری کند و احتمالاً می‌خواست آن را در وثیقه قرار دهد و برای آزادکردن املاک خویش تسهیلات بگیرد. آن مقام این چک را همراه داشته و می‌گوید این یک میلیارد نزد من است و به این صورت یک میلیارد از وجه بانک مسترد می‌شود. غیر از این چک معامله بنیاد، سه میلیارد تومان دیگر که چک‌های بین‌راهی بود، نیز وصول می‌شود. یعنی از محل وجه چک‌های قبلی وجه آن تأمین شده ولی هنوز به شعبه برگشته بود. پس با آن چکی که نزد مقام عالی‌رتبه بود، حدود چهار میلیارد تومان آن وصول می‌شود. ۲۰ میلیون تومان هم از محل فروش ملک متعلق به آقای م- ک وصول می‌شود. ۲۴میلیارد و ۴۰۰ میلیون (۲۴/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باقی می‌ماند.

● **یعنی کل بدهی این فرد این مبلغ بوده است؟**

بله، دومیلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان. یکی از کارهای خوبی که انجام شد، این بود که بدون اینکه سروصدا ایجاد کنند فاضل خداداد وادار می‌شود به کشور برگردد. وقتی که برگشت، با همکاری ادارات بازرسی و حقوقی بانک و وکلا و مشاوران حقوقی هر چه دارایی غیرمنقول را داشت، شناسایی و با مبادعه‌نامه معامله کردید.

● **این همه ساختمانی که داشت، دو میلیارد تومان نمی‌ارزید؟**

نه، آن زمان ۲۰ میلیون تومان هم نمی‌ارزید. چون همه املاک او در رهن بانک‌های مختلف بود و به شرحی که گفتیم مازاد آن حتی تا مازاد سی‌وسوم توقیف شده بود؛ اگر هم می‌ارزید، ما نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم چون در رهن یا توقیف بود و این مبلغ با سودش سر به فلک کشیده بود. چون ارزش پول کشور مثل امروز کاهش نیافته بود، در سال اختلاس (بهمن ۱۳۷۰ تا بهمن ۱۳۷۱) ارزش برابری پول ایران با دلار، هر دلار حداکثر ۱۰۰ تومان بود. این کجا و دلار چهارهزار و ۱۰۰ تومان کجا؟!

● **نمی‌شد حراج کرد؟**

می‌توانستیم ولی خریدار نبود و منع قانونی هم داشت. در نتیجه ما هرچه املاک و دارایی‌که داشت، از او گرفتیم. ایشان املاک زیادی در جاده قم داشت چون پیش‌بینی کرده بود تهران گسترش خواهد یافت و بیابان هم ارزش پیدا می‌کند. حتی مازاد سهم‌الارث او از مرحوم پدرش را که آن هم در رهن بانک بود، به بانک منتقل کرد. خداداد ممنوع‌الخروج و تحت نظر مأموران بود. به او فرصت داده شد که این پول‌ها را فراهم کند. مدیرعامل بانک هم مرتب با او در ارتباط بود که باقی‌مانده بدهی (۲۴میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال) را مسترد کند تا اینکه ناگهان در تابستان ۱۳۷۲ خداداد غیب شد.

● **اینجاست که متوجه می‌شوند دو شناسنامه داشته است؟**
بله، او کارگشته بود. اصلاً ورکرده بود. گویا یک‌رتبه به مدیرعامل وقت بانک تلفن می‌کند و می‌گوید من خارج از ایران هستم.

● **مگر تحت نظر مأموران نبود؟**

نه، در تحقیقات ابتدا به دروغ گفته بود از کرمان به بندرعباس و از آنجا به لنج به آن سسوی آب‌های خلیج فارس رقتم. اما پس از آنکه دادسرا منحل شد و پرونده به دادگاه عمومی برای تکمیل تحقیقات تحویل شد، کاشف به عمل آمد که او دو شناسنامه داشته و دو گذرنامه هم گرفته بود؛ یکی به نام فاضل خداداد فرزند خداداد و دیگری به نام درویش خداداد فرزند خداداد و در واقع با این شناسنامه درویشی، خیلی عادی به فرودگاه مهراب رفته و از ایران خارج شده بود.

هفت یا هشت ماه از خروج او گذشت و مقامات بانک و بنیاد با او صحبت و او را تشویق می‌کردند که برگردد. در این زمان یک بار به صورت دوره‌ای از شعبه ۲۰۸ بازرسی می‌شود، یکی از بازرسان گزارشی از این موضوع تهیه می‌کند که ۱۲۳ میلیارد تومان حساب باز در شعبه وجود دارد و آن را به دفتر مقامات عالی کشور ارسال می‌کند. ذیل این گزارش به دادستان وقت تهران دستور داده می‌شود رسیدگی سریع شود و چنان که این موضوع صحت داشته باشد، باید فاتحه کشور خوانده شود! دادستان وقت تهران پرونده را به آقای احمدی‌پور بازپرس شعبه ششم دادسرای تهران ارجاع داد. این‌گونه بود که ناگهان مسئله اختلاس ۱۲۳میلیاردی تبدیل شد به مسئله روز کشور. روزنامه «سلام» این موضوع را علنی کرد و اسم آن را «رفیق گیت» گذاشت. یکباره همه‌ها شدیدی به آن مقام صورت گرفت و هر روز هم این موضوع در روزنامه‌ها مطرح می‌شد، هم در مجلس که اکثریت آن را اسلاف اولوگرایان امروز تشکیل می‌دادند و هم در روزنامه‌ها و افکار سیاسی این موضوع مطرح بود. فاضل خداداد در پاییز ۱۳۷۳ به ایران برگشت و شروع کرد به تأمین وجوه. این بار هم بخش دیگری از اموال خودش را که مخفی کرده بود، به بانک سند عادی انتقال داد. اعلام می‌شد، این رسوایی به وجود نمی‌آمد.

● **ادامه در صفحه ۷**

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیم

- علی لاریجانی: امروز سخن و موضع ایران موضعی تأثیرگذار برای جهانیان است
- سختگوی حزب اعتماد ملی: لیست تهران از میان تأیید صلاحیت‌شده‌ها تنظیم می‌شود
- نخست‌وزیر ایالت گرازه بوسنی خواستار صدور کالاهای ایرانی به این جمهوری شد
- رئیس سازمان خصوصی‌سازی: سهم دولت از اقتصاد به یک‌سوم کاهش می‌یابد
- در پی مواضع خصمانه اخیر پاریس صورت گرفت: احضار سفیر فرانسه به وزارت خارجه
- سختگوی وزارت خارجه تأکید کرد: مخالفت ایران با ایجاد پایگاه نظامی فرانسه در خلیج فارس
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مواضع چین در پرونده هسته‌ای ایران تأثیر مهمی در آینده روابط دو کشور دارد

اعتقاد

- رهبر معظم انقلاب: رابطه با آمریکا درحال حاضر نفعی ندارد
- باراک اوباما کاندیدای پیششار ریاست‌جمهوری آمریکا پیشنهاد داد: گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط با ایران
- دبیرکل حزب اعتماد ملی: حضور گسترده مردم لازمه تشکیل یک مجلس نیرومند است
- مخالفت لیبی پس از به‌قدرت‌رسیدن قذافی با تشدید تحریم ایران
- وزیر خارجه مصر: گفت‌وگوها را با ایران برای دستیابی به توافقاتی که ضامن توسعه روابط دیپلماتیک دو کشور است، ادامه می‌دهیم
- وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای به شهروندان این کشور برای سفر به ایران هشدار داد

ایران

- شاخصه‌های نمایندگی مجلس از سوی رهبر معظم انقلاب: دردشناس‌ها را به مجلس بفرستید
- احمدی‌نژاد: ۷۱ هزار میلیارد تومان، سقف بودجه عمومی سال آینده کشور
- وزیر کشور: بررسی‌های کارشناسی انتقال پایتخت آغاز شد
- لاجه بودجه براساس نفت ۳۹/۷دلاری در هیئت دولت تصویب شد
- وزیر خارجه: دستگاه دیپلماسی کشور مقید به ترویج فرهنگ غدیر است

آفتاب

- رهبر معظم انقلاب: برقراری رابطه با آمریکا خطر این کشور را کاهش نمی‌دهد
- دبیر کل حزب اعتماد ملی: در میان اصلاح‌طلبان تفرقه نگران‌کننده وجود ندارد
- اطلاعیه شماره یک ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان: قهر با انتخابات، سپردن میدان به مخالفان مردم‌سالاری است
- محمدرضا باهنر: حرص دولت برای خدمتگزاری، گاه برای مجلس مشکل‌ساز می‌شود
- مخبر کمیسیون صنایع و معادن مجلس: دولت عملکردهای نادرست را به گردن مجلس نیندازد
- بوش در آستانه سفر به خاورمیانه: گزارش نهادهای امنیتی در مورد ایران را شفاف‌سازی می‌کنم
- موسوی‌لاری: بانیان طرح امنیت اجتماعی علیه هم افشاکری می‌کنند

جمهوری اسلامی

● رهبر معظم انقلاب: خطاها و کاستی‌های دولت را باید دلسوزانه تذکر داد؛ بهانه‌گیری مدام صحیح نیست. مطبوعات، رسانه‌ها و کسانی که امکان سخن‌گفتن با مردم را دارند از هر کاری ایراد بگیرند و مردم را ناامید نکنند؛ این کار به مصلحت کشور نیست

- فرمانده نیروی انتظامی: طرح ارتقای امنیت اجتماعی با قدرت بیشتر ادامه می‌یابد
- وزیر اقتصاد: پرداخت دو وام ۱۸میلیون‌تومانی برای خرید مسکن لغو شد
- عطارزاده، عضو کمیسیون انرژی مجلس: درآمد‌های نفتی در کجا صرف شده است
- استفن هدلی، مشاور امنیت ملی آمریکا: بوش در سفر خود به کشورهای عربی می‌کوشد تا آنها را با خود علیه ایران هم‌صدا کند

اطلاعات

- رهبر معظم انقلاب: اعتمادبه‌نفس ملی لازمه پیشرفت کشور است
- مخالفت رئیس جدید شورای عالی امنیت با تشدید تحریم علیه ایران
- فرمانده نیروی هوایی ارتش اعلام کرد: دستیابی ایران به فناوری ساخت جنگنده‌های شکاری نسل ۴ و ۵
- سختگوی شورای نگهبان خبر داد: موافقت مشروط شورای نگهبان با شمارش رایانه‌ای انتخابات تهران
- وزیر اقتصاد: نرخ تورم ۱۶ درصد است
- رئیس قوه قضائیه: علما و روحانیون نباید تحت‌تأثیر جریان‌های سیاسی قرار گیرند